Archive of SID

ماهنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی[1]
سال سیزدهم –شماره دهم- دی ۱۳۹۹-شماره پیاپی ۵۶

جلوه‌های سبک هندی در اشعار شوکت بخارایی

(ص ۲۴۹-۲۳۱)

حمید دهنبی[2]

تاریخ دریافت مقاله:مهر ۱۳۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله:اسفند ۱۳۹۸

چکیده:

از میان شـــاعران شـــیوهٔ «خیال بندان» یا «طرز خیال» در ســـبک هندی، محمد بن اسحاق بخارایی متخلص به «شوکت» با وجود شهرت بسیار در سرزمین عثمانی، در ادبیات ایران نام گمنامی است. وی از شاعران قرن یازدهم هجری است که دیوانی از خود به یادگار گذاشته است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای نوشته شده‌است، پس از معرفی شوکت بخارایی، به بررسی اشعار وی از منظر سبک شناسی و با تاکید به ویژگیهای خاص سبک هندی در اشعار وی پرداخته‌ایم.

نتایج تحقیق نشـــان میدهد که از منظر ادبی ، تشـــبیه و انواع آن و اســـتفادهٔ فراوان از تمثیل به شعرش برجستگی خاصی بخشیده است. ویژگی اصلی شعر او ، نازک خیالی و خیال بندی است و تشخیص، پارادوکس و حس‌امیزی از انواع مهم پربسامد بدیع در اشعار او به شمار میرود. بسامد بالای برخی لغات خاص مانند: رنگ، لاله و ...و ساخت مضامین بدیع با آنها ویژگی دیگر اشـــعار اوســـت و خلق معانی پیچیده، خیال‌پردازیهای بدیع، گاه اشـــعار وی را دیریاب کرده اســـت. مقیاســـهای شـــاعرانه، ترکیبات جدید و لغات عامیانه از ویژگیهای زبانی اشعار شوکت هستند. از منظر فکری ، توصیف عشق، ناامیدی و غم‌گرایی، دو موضوع اصلی اشعار وی خصوصاً غزلیات اوست.

کلمات کلیدی: سبک شناسی،شوکت بخارایی، سبک هندی

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار دانشـــکده شـــهید شـــمســـی پور، دانشـــگاه فنی و حرفه ای اســـتان تهران - ایران (Dehnabi_hamid@tuv.ac.ir)

www.SID.ir

Archive of SID

Indian style effects in Shaukat Bukhara's poems

Hamid Dehnabi[۱]

Abstract:

Among the poets of the Indian style of "fantasy" or "style of imagination", Mohammad Ibn Ishaq Bukharai, nicknamed "Shaukat", despite his great fame in the Ottoman lands, is an unknown name in Iranian literature. He is one of the poets of the ۱۱th century AH who has left a divan in his memory. In this article, which is written in a library method, after introducing Shaukat Bukharaee, we have examined his poems from a stylistic point of view and with emphasis on the special features of Indian style in his poems.

The results of the research show that from a literary point of view, similes and their types and the extensive use of allegory have given a special prominence to his poetry. The main feature of his poetry is imaginative and imaginative, and discernment, paradox and sensuality are among the most important types of novelty in his poems. The high frequency of some special words such as: color, tulip, etc. and making novel themes with them is another feature of his poems, and the creation of complex meanings, novel fantasies, has sometimes made his poems difficult to find. Poetic scales, new compositions and slang words are the linguistic features of Shaukat's poems. From an intellectual point of view, the description of love, despair and sadness are the two main themes of his poems, especially his lyric poems.

Keywords: Stylistics, Shaukat Bukhara, Indian style,

۱ - Assistant Professor of Faculty of Shahid Shamsipour, Tehran Branch, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran (Dehnabi_hamid@tuv.ac.ir)

www.SID.ir

Archive of SID

۱-بیان مساله

سبک هندی دارای دو شاخهٔ مشخص است که از نظر سبک شناختی، شاخصه‌های کاملا جداگانه و مستقلی دارد. الف) شیوه تمثیل‌گرایان(شاخهٔ ایرانی) : در این شیوه، یک مصراع که« پیش مصرع» یا «مصرع معقول» نامیده میشود به وسیلهٔ تشبیه به مصرع دیگر که به نام «مصرع برجسته» یا «محسوس» معروف است، میپیوندد. پس اساس این شیوه بر «تمثیل» استوار است، که آن نیز به نوبهٔ خود زیرساخت تشبیهی دارد. این شیوه اگر از حد اعتدال فراتر نرود، بسیار دلپذیر است. شاعرانی مانند؛ صائب تبریزی، کلیم کاشانی، طالب آملی، ظهوری ترشیزی و نظیری نیشابوری سرایندگان سبک هندی شاخهٔ ایرانی محسوب میشوند.

ب) شیوهٔ خیالندان(شاخهٔ هندی) : این شیوه در هند بیشتر از ایران طرفدار داشته است و مبتنی بر خیالات غریب و برقراری روابط دور و دراز بین کلمات است. با اینکه در بین اشعار سروده شده به این شیوه، ابیات زیبا و معانی بلندی میتوان جست، ولی افراط در این طرز سخنگویی، سبک هندی را به ابتذال کشانید. شاعرانی مثل اسیر شهرستانی، بیدل دهلوی، غنی کشمیری و شوکت بخارائی از شاعران شاخهٔ هندی هستند. (طرز تازه، حسین پور آلاشتی ص۱۹)

شوکت بخارایی یکی از شاعران مهم شاخهٔ هندی در سبک هندی است که در عصر خویش در سرزمین عثمانی و آسیای میانه شناخته شده بود و در بین شاعران عثمانی شهرت زیادی پیدا کرده بود؛ اما در ایران کاملا ناشناخته است. به عنوان مثال در کتابخانه‌های ترکیه بیش از صد نسخه از دیوان شوکت موجود است، ولی در کتابخانه‌های ایران تعداد آن از ده نسخه تجاوز نمی کند. پادشاهان عثمانی نیز با ارادتی خاص به شوکت نگاه می کردند تا جائیکه دیوانش چندین بار به زبان ترکی عثمانی ترجمه و شرح شده‌است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای نگاشته شده‌است، پس از معرفی شوکت بخاری، به بررسی ویژگیهای اشعارش از منظر سبک شناسی (با تاکید بر ویژگیهای سبک هندی) پرداخته شده‌است.

۱-۱-روش تحقیق

این مقاله براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

۱-۲-پیشینهٔ تحقیق

شوکت بخارایی شاعری گمنام است و نه تنها در مورد وی و اشعارش، بلکه در مورد بررسی ویژگیهای سبک هندی در اشعار وی تاکنون تحقیقی صورت نگرفته‌است. تنها بهرامی اصل، محمد و دیگران( ) در مقالهٔ «نقد دیوان چاپی شوکت بخارایی و لزوم تصحیح مجدد آن» با ذکر دلایل و نمونه‌های بسیاری از اغلاط موجود در نسخهٔ چاپی دیوان شوکت

www.SID.ir

Archive of SID

بخارایی (که توسط سیروس شمیسا تصحیح شده‌است)استفاده از نسخه‌های محدود را دلیل عمدهٔ وجود اغلاط بی‌شمار در نسخهٔ چاپی دیوان دانسته‌اند. مشهدی، محمد امیر و دیگران(۱۳۹۷) در مقالهٔ «کاربرد ایهام در غزلهای شوکت بخاری» انواع ایهام را در دیوان این شاعر بررسی کرده‌اند.

۲-معرفی شوکت بخارایی

خواجه محمدبن اسحاق بخاری، متخلص به « شوکت» و معروف به «شوکتا» از شاعران سدهٔ یازدهم و آغاز دوازدهم هجری است.اسمعیل پاشا در ایضاح المکنون نوشته‌است که وی از اعقاب پادشاهان بخارا است.(تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ۵ /۲ : ۱۳۳۳) اما شمیسا این نظر را رد میکند و تاریخ ولادت وی را براساس قرائن موجود در تذکره‌ها، ۱۰۵۳ و تاریخ وفات وی را ۱۱۱۱میداند(مقدمهٔ دیوان شوکت: ۱۵)در تذکره‌ها آمده است که پدر او در بخارا صرّاف بود و شوکت نیز مدتی همین شغل را اختیار کرد. (خزانه عامره،آزاد بلگرامی: ۲۸۱).شوکت به سبب آزار و اذیت ازبکان، بخارا را رها کرد و به هرات رفت (تذکرهٔ المعاصرین، حزین لاهیجی:۱۶۲) و تحت حمایت میرزا سعدالدین محمدبن خواجه غیاث الدین مشهدی متخلص به «راقم مشهدی» و وزیر هرات در عهد شاه سلیمان صفوی، قرار گرفت. (مقدمهٔ دیوان شوکت: ۹)شوکت در قصاید خود این وزیر را تحت عناوین«سعدالدین» و «آصف» مدح کرده است.

گویا در آغاز تخلصهای«نازک» و«تارک» را برای خود برگزیده بود (نتایج الافکارص۳۸۷، خزینه عامره، ص۲۸۱؛ تذکرهٔ المعاصرین، حزین لاهیجی:۱۶۲) ولی در دیوان شوکت این تخلصها به چشم نمی خورد. وی پس از پیوستن به سعدالدین تخلص «شوکت» را اختیار کرد. (مقدمهٔ دیوان شوکت: ۱۰)

با وجود گمنامی وی در ایران، پادشاهانی عثمانی با ارادتی خاص به شوکت نگاه می‌کردند .دیوان شوکت چندین بار به زبان ترکی عثمانی ترجمه و شرح شده‌است. در ایران نیز دیوان وی توسط سیروس شمیسا در سال ۱۳۸۲ در انتشارات فردوس چاپ و منتشر شده‌است. دیوان شوکت شامل بر ۹ قصیده، ۲۳ رباعی، ۱۱۸۷ غزل، ۵۶۷ تک بیت، یک قطعه و یک ماده تاریخ است.

۳-بحث و بررسی

۱-۳-ویژگیهای ادبی

در سبک هندی به بدیع و بیان چندان توجهی نمیشود. البته تشبیه اساس این سبک است امّا از دیگر امور بدیعی و بیانی جز به صورت طبیعی و تصادفی خبری نیست زیرا سبک هندی شعر مضامین اعجاب‌انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است. شاعران سبک هندی اگرچه بیشتر به بیان مضامین شهره‌اند، امّا حقیقت این است که اغلب شعرای این دوره به

www.SID.ir

Archive of SID

اســتفاده از آرایه‌های ادبی دل بســته‌اند. شــوکت نیز همچون شــاعران هم قطار خود از این قافله جا نمانده ا ست. شوکت از بین آرایه‌ها بی شتر به صنایع معنوی علاقه دارد و از بین آنها بیشتر به تشبیه، تمثیل و تلمیح دلبسته است.

*تشبیه: پرکاربردترین صنعت معنوی در دیوان شوکت به تشبیه سازی برمیگردد. تشبیهات او روان و دلنشینند و خواننده را از مرور خویش مکدر نمیکنند:

تشبیه از دیدگاه حسی یا عقلی بودن طرفین:

نوع تشبیه	حسی- حسی	عقلی- حسی	حسی- عقلی	عقلی- عقلی
درصد	۵۸٪	۳۶٪	۵٪	۱٪

حســی- حســی: همچو رنگ خامۀ نقاش شــبها بی توام / اشــک خونین میکند مژگان تر گرداوری(غ۱۱۶۰)

حسی- عقلی: چون هوا با بی‌وجودی خلق محتاج منند / میکشد هرکس نفس دارد به کف دامان من (غ ۱۰۷۳)

عقلی- حسی: صبح پیری شد و شام عدمت نزدیک است / آفتابت به لب بام زوال است چو شمع(غ۹۱۰)

عقلی- عقلی: مغزم ز جنون خشــکتر از آب گهر بود / از چشــم پری روغن بادام کشــیدیم (غ۱۰۲۱)

تشبیه از دیدگاه وجه شبه و ادات تشبیه

نوع تشبیه	بلیغ	مجمل	مفصل	مرسل	موکد
درصد	۳۶٪	۱۲٪	۱۴٪	۳۳٪	۶٪

مجمل: ز بس امشب رقمها از سواد چشم او کردم / زبان خامۀ من مغز بادام است پنداری (غ۱۱۵۳)

مرسل: ز گردون رنگ زردیها کشید از بس که اعضایم / سراپای تنم شاخ گل زردی است پنداری(غ۱۱۵۵)

مفصل:گر دیده‌ام به خانۀ خود میهمان خویش / قانع چو گندمم به دو انگشت نان خویش (غ ۸۹۰)

موکد: کجا از ســرمه‌دان منت کشــد چم ســیاه او / ســواد ســرمه باشــد عنبر موج نگاه او (غ۱۱۱۲)

بلیغ غیر اضافی: ای دشمن قوی دست از ضعف من حذر کن / شمشیر خون چکان است رنگ پریدۀ من(غ۱۰۷۶)

www.SID.ir

Archive of SID

از دیدگاه ذکر و حذف ادات و وجه شبه، تشبیهات بلیغ و مرسل بیش از سایر تشبیهات در اشعار وی دیده میشود و تشبیه بلیغ نیز بیشتر در شکل اضافهٔ تشبیهی نمود یافته است. « هرچه در جریان شعر فار سی به سبک هندی نزدیکتر می شویم زبان ف شرده‌تر شده و ساختهای عطفی و ا سنادی جای خود را به ساختهای ا ضافی میدهد. در چنین نگاه سبک شناسانه است که زبان فشرده و ترکیبی طالب برجسته مینماید، هرچند که پیچیده‌ترین و در عین حال انتزاعیترین ترکیبات را در شاخه هندوستانی سبک هندی – در شعر بیدل و اقمار او – باید دید (طرز تازه، حسین پور آلاشتی: ۱۳۴-۱۳۵).در برخی اضافه‌های تشبیهی تازگی خاصی دیده میشود:اقلیم سبکروحی(غ۱)،ابروی محراب(غ۲)، گل بی‌حاصلی (غ۳)،ریاض عشق، جوی وحدت، شام غم(غ ۳)،گوهر مقصود(غ ۱۱۰۶)، ریحان عشق (غ۱۱۰۸)، شاهد دنیا(غ ۱۱۸۷)غنچه‌های آبلهٔ پا(غ۱۰۳۴)، و...

تشبیه به اعتبار مفرد یا مرکب بودن طرفین :

نوع تشبیه	مفرد- مفرد	مفرد- مرکب	مرکب- مفرد	مرکب- مرکب
درصد	۶۸٪/۳۹	۳٪/۳۱	۳٪	۲۵٪/۳۰

-مفرد به مفرد : چرا شوکت نمیبوسی میان آن دو ابرو را / که رخصت داد ترک من کمان خویش بوسیدن(۱۰۴۳)

-مفرد-مرکب: بس که ضعف پیری من کرده در طالع اثر / همچو ابرو، قامت بخت سیاهم خم بود(غ۷۱۹)

-مرکب- مفرد: نیست از لطف به من نیم‌نگاهی که تراست / مژه‌ات چون به هم آید لب دشنام بود(غ۷۱۸)

-مرکب به مرکب : نفتاده‌است تو را کار به جور فلکی / نرسیده‌است طلای تو به سنگ محکی(غ ۱۱۷۰)

تشبیه به اعتبار تعدد طرفین

نوع تشبیه	مفروق	ملفوف	جمع	تسویه
درصد	۴۶٪	۱۷٪	۲۸٪	۹٪

-تشبیه تسویه: بهر او آفتاب و ماه و نجوم / زیر و بالا روند چون دولاب(غ۵۰۸)

-تشبیه جمع: به گوهر قطرهٔ آبم، به یاقوتم رگ آتش / به هر کس اتفاق مشربم افتاد یکرنگم(غ۹۸۷)

-تشبیه ملفوف: بیاض شعر و سواد خط تو را نازم / که بدر شام هرات است و صبح نیشابور (غ۵۱۹)

www.SID.ir

Archive of SID

-تشبیه مفروق: موی سفید با شد صبح دمیدهٔ من / خمیازهٔ شباب ا ست قد خمیدهٔ من (غ۱۰۷۶)

اقسام دیگر تشبیه

نوع تشبیه	مضمر	مشروط	تمثیل	تفضیل
درصد	۱۲٪	۸٪	۷۷٪/۸۶	۶٪

تشبیه تفضیل: هر چند نافه م شک ندارد ز کس دریغ / با شد سیاه کا سه به دوران زلف تو(غ۱۱۲۳)

تشبیه تمثیل: ز حال آسمان صاحب نظر غافل نمیگردد / بود گل میخ کشتی را ز چشم ناخدا این‌جا(غ۱)

تشبیه مشروط: گر شوم من شبنم و گردون سراسر آفتاب / کی پی برخاستن چشم مدد باشد مرا (غ ۱۷۲)

تشبیه مضمر: بهای گوهر غلطان کسی نمیداند / بدار دست ز دلهای بی‌قرار اینجا(غ ۴ب۴)

تشبیه معکوس:کوه‌کن را چه غم از تلخی هجر ا ست که نیست / غنچهٔ لاله کم از لعل لب شیرینش(غ۸۶۸)

*تمثیل : پرکاربردترین آرایه در دیوان شعرای سبک هندی تمثیل است. در دیوان شوکت نیز به فراوانی میتوان از این آرایه سراغ گرفت. شوکت، تمثیلهای خود را از منابع گوناگون به دست میآورد، بیشتر تمثیلهای شوکت از زندگی واقعی و مشاهدات وی سرچشمه میگیرد :

فزاید از هنر سرگشتگی صاحب هنرها را / کند سنگ فلاخن جوش غلطانی گهرها را(غ۳۳)
عشق احت دارد از پهلوی عقل حیله‌گر / شیر ما بالین پر داند دم روباه را (غ۱۱۷)
خام‌شی، نازک دلان را پرده‌پوش راز نیست / خاک چینی گر بود از سرمه بی‌آواز نیست(غ ۴۲۴)
جز به چشم دل، ره دور طلب نزدیک نیست / ماه نو فربه نباشد تا نظر باریک نیست(غ۴۲۶)
کاهش مظلوم از چین جبین ظالم است / سینهٔ شهباز باشد کبک را سوهان روح(غ۴۶۲)
ز پاکان کی زند سر حرف بی‌مغز / کف از آب گهر پیدا نگردد(غ ۴۸۵)
صید عشاق کند حُسن به هر حال که هست شاخ گل خشک چو گردید قفس میگردد(غ ۴۸۹)
ز امتحان توام کار صبر ساخته شد / طلا ز آتش سنگ محک گداخته شد(غ۵۹۵)
علاج غیر مکافات نیست ظالم را / که سنگ شیشه‌شکن شیشه میشود آخر (غ ۸۲۸)

www.SID.ir

Archive of SID

ز اضـــطراب خویشـــتن عاجز قوی آید به چشـــم / مینماید مور مار از ســـرعت رفتار خویش(غ۸۷۸)

ز مطلب باز میماند کس از صـاحب هنر گشـتن / که گردد سـنگ راه خویشـتن اب از گهر گشتن(غ۱۰۳۲)

چو بحر از تنگنایی بگذرد باریک میگردد / نگردد تا ســـخن نازک نیاید از قلم بیرون(غ ۱۰۸۹).

*تلمیح: شوکت در اشعارش تلمیح را بسیار مورد توجه قرار داده زیرا در مضمون‌سازی که اساس سبک هندی و سبک شخصی اوست،نقش فعالی دارد. بیشتر تلمیحات در اشعار او تلمیحات دینی و غنایی هســـتند: تلمیحات اســـاطیری: خســـرو پرویز(۳مورد) / تلمیح به داســـتان پیامبران: یوســـف (۳۹مورد)، ســـلیمان(۱۲مورد)، یعقوب(۹مورد)، آدم: (۸مورد)عیسی(۷مورد)، موسی(۵مورد)، حضرت محمد و ایوب(۲مورد)، ابراهیم(۱مورد)، / تلمیحات غنایی: شـــیرین(۵۵مورد)،مجنون(۴۵مورد)، لیلی(۳۲مورد)، فرهاد(۲۴ مورد)، زلیخا(۵مورد)، / تلمیحات غیر اسلامی و تاریخی: (۱۸مورد): مانی(۱۱مورد)، قارون(۶مورد)، افلاطون(۵مورد)حلاج(۳مورد)، فرعون(۱مورد)، /تلمیح به شـــخصـــیتهای دینی: مهدی، موسی کاظم و محمدباقر(هر کدام ۳مورد)، فاطمه(س)، جعفرصادق و محمدتقی(هر کدام ۲مورد) خضر(۲مورد)، امام رضا(۳مورد)، مریم و هارون(۱مورد)،

نوع تلمیح	اساطیری	غیر اسلامی و تاریخی	داستان پیامبران	غنایی	شخصیتهای دینی
تعداد	۳	۲۶	۸۵	۱۶۱	۲۰

*حسآمیزی: آمیختن حسهای مختلف با هم و نسبت دادن تعلّق یک حس به حس دیگر است. «منظور از حسآمیزی، بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانشینی آنها خبر دهد (شاعر آینه‌ها، شفیعی‌کدکنی: ۴۱) سیما داد، حس‌امیزی را از انواع مجاز (فرهنگ اصـــطلاحات ادبی، داد:۱۹۷)، ســـیروس شـــمیســـا آنرا از فروع تضاد(نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ۱۱۲)و شفیعی کدکنی در «صور خیال در شعر فارسی» ماهیت آنرا استعاره (صور خیال در شعر فارسی،شفیعی کدکنی: ۲۶۷)و در «موسیقی شعر» آنرا شکل خاصی از استعاره یا مجاز میدانند ،(موسیقی شعر، شفیعی کدکنی:۱۵)در شعر فارسی نمونه‌های حسآمیزی در دوره‌های مختلف شعر متفاوت است و در شعر سبک هندی (هر دو شاخهٔ ایرانی و هندی) بسامد آن بالا است. از نظر بلاغی، «حس‌آمیزی میتواند در ساخت کنایه، تشبیه، ایهام و پارادوکس به کار رود و از نظر دستوری و نحوهٔ ارائه در شعر میتواند به شکل ترکیبی(وصفی و اضافی) و غیر ترکیبی به کار رود(بررسی حس‌امیزی در غزلیات بیدل دهلوی، الهامی: ۳۶)

www.SID.ir

Archive of SID

حس آمیزی در تصاویر بر ساخته از تشبیه: سبز از باغ سخن می چینم و حل میکنم (قصیدهٔ ۱) وقت کرشمه‌های عروس سخن گذشت(قصیدهٔ ۲) شوکت گل رنگین سخنها که شکفته است(غ۲۱۵)، جاده صحرای سخن را لب نگشادهٔ تست(غ۲۶۴)، بوی گل از غنچه چون آه از دهن آید برون(غ۷۱۰) چون سخن گشته‌ام ز خویش سبک(غ۲۷۶)، شوکت این گل ها که شد رنگین ازو باغ سخن(غ۴۱۰)، غنچهٔ تحریر ما بوی تعلق می دهد(غ۳۸۴)، غنچهٔ پیکان او بوی محبت می دهد(۴۸۰)، نشد به وصل تو روشن چراغ گفتارم(غ۶۲۸)و..

حس‌آمیزی در تصاویر استعاری : قبای خامه ز بالیدن سخن چاک است(غ۲۲۳)، سخن هر چند بالا می پرد تا گوش می آید(غ۴۹۷)، چون از این میخانه یابم بوی کیفیت که هست(قصیده۱)ز شوخیهای مژگان تو فیض خنده می بینم/ نگاه تلخکامان از نی نرگس شکر گیرد(غ۳۶۱) زبان غنچه تصویر ریخت رنگ سخن(غ۵۵۴)، بوی نگاه و رنگ حیا آشکار کرد(قصیده۵)، رنگ بوی غنچه ترکیب پاپوش تو شد(غ۳۸۲)،نمک از بوسه دارد پسته لعل سخنگویش (تک بیت۴۱۰)به مصراع ز خاطر جسته ماند سرو موزونش (غ۵۶۹)و...

حس آمیزی در تصاویر کنایی: گرم پرواز گشته مرغ کباب(قصیدهٔ۳)، سخن از بس که رنگین می شد از رخسار گلفامش(غ۵۶۴)باشد دل شیرین سخنان تنگ ز دستش(غ۶۵۶) بو سی طلب نمودم و کردی نگاه تلخ(غ۳۷۹)، بود شهد تبسم گریهٔ تلخ پشیمانی(غ۳۸۸)، تاب نگه گرم نداریم چو شوکت(غ۶۵۸)، دارد مژه روی ترشی ساقی مجلس(رباعی۱۱۵)، سخن سخت توام توبه شکن گردیده است(غ۲۴۹) زخم من از سخن سرد هوا می گیرد(غ۳۶۳)، نگه گرم کند مجلس ما را روشن(غ۶)،

حس‌آمیزی در تصاویر برساخته از ایهام: آن کمر از بس که نازک چون رگ اندیشه است(غ۲۵۲) مگر نازک بتی برده است از دستم دل و دین را(غ۳۲۳) نگردد تا سخن نازک نیاید از قلم بیرون (غ۴۹۹) طفل معنی چون کشد قد، مصرع موزون شود(غ۴۶۹) ز مغز خاک چمن بوی داغ می آید(قصیده۷) چراغ داغ ما را روغن از مرهم بود شوکت(غ۱۵)، برون جو شید ناگه چشمه شیرینی از سنگی(غ۷۵۰) بیستون را بکن از چشمه شیرین خواهٔ(غ۷۵۹)

حس‌آمیزی در تصاویر همراه با مجاز : بوی ثبات نیست بهار امید را (غ۳۳)کسی که بوی حقیقت شنیده می‌داند (غ۴۷)از سخن رنگی ندارم چون لب تصویرها(غ۱۵۱) از حلقه اسیران بوی شهادت آید(غ۱۳۳)، شوکت ز گفتگویت بوی محبّت آید(غ۲۶۳)،می آید از نگاه تو امروز بوی گل (تک بیت۵۶۷)و...

www.SID.ir

Archive of SID

حسامیزی در تصاویر برساخته از تشخیص: چون بوی گل از جا به نسیمی نتوان رفت(غ۲۸۶)، زین چمن آهسته چون بو می روم(غ۶۷۹)، می زند رفتار گرمش نقش پا را پشت پا(قصیده۱)

*پارادوکس: اصطلاحی است که شفیعی‌کدکنی برای اولین به کار برده است و سرچشمهٔ تصاویر پارادوکسی را خلاقیت عارفان ایرانی میداند و در تعریف آن مینویسد:«منظور از تصویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی ترکیب آن، به لحاظ مفهوم، یکدیگر را نقض می‌کنند مثل سلطنت فقر.» (شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی: ۵۴) بنابراین پارادوکس، ترکیب یا عبارتی است که در ظاهر متناقض و پوچ به نظر برسد اما در نهان حاوی معنای قابل قبول و والایی است. نمونه‌های طبیعی و زیبای این گونه شعرها را در اشعار شوکت بخارایی می‌توان جست که بسامد نوع عبارتی آن بیشتر از نوع ترکیبی است: ترکیبات پارادوکسی: جامهٔ عریان تنی یک عمر بس باشد مرا(غ۱۷۳)، به زور ضعف میپیچم به یکدیگر بزرگان را (غ ۶۲۸)،/ عبارات پارادوکسی: بنای ما خراب از منت تعمیر میگردد (غ۲۸)، تو چون نادان شوی دانی که رزقت از کجا آید(غ۱۰۲)، ببین چون وسعت دست است این تنگ‌آستینان را(غ۱۰۳)، عریان تنی است پیرهن ته نما مرا(غ۱۶۰)، خشم پر صلح تو در جنگ گرفته‌است مرا(غ۱۶۶)، ریشه،آب از جوی آتش میخورد خار مرا(غ۱۷۷)، گشت چسبان جامهٔ بی‌درز عریانی مرا(غ۱۹۸)، خمیرمایهٔ آرام ماست وحشت ما(غ۲۰۱)، ندید روی خزان نشاط را شوکت(غ۲۵۲)، رتبهٔ ما شوکت، از افتادگیها شد بلند(غ۴۳۵)، گرفته رنگ حقیقت نگاه من ز مجاز (غ ۶۹۹)و...

*ایهام و انواع آن: در این روش کلمات (یا عبارات و جملات) موهم معانی مختلفند (حداقل و معمولاً دو معنی) و ممکن است با آن معانی مختلف، با کلمات دیگر کلام، رابطه ایجاد کنند. روش ایهام مهمترین مبحث بدیع است و « از آرایه‌های رایج شعر در همهٔ زبانهاست و در شعر فارسی، حافظ معتدلترین و زیباترین کاربردها را از آن بوجود آورده است.» (شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی: ۶۹) ایهام در اشعار شوکت، بسامد بسیار بالایی دارد و در دو نوع زیر آمده است:

ایهام واژه‌ای: به چشم او خط یاقوت، خون مُرده میآید(غ۵۹)،زاهدا چند ز کف، جام می ناب نهی(غ۱۸۵،) پاس دلم بدار که بسیار نازک است(غ۳۴۵) کرشمه مست ز شُرب مدام او باشد(غ ۶۳۲)، شیرین چه دل به روی شکرخواب کرده‌ای(غ ۶۸۷) همانا سرنوشت تیره‌بختان، خط ریحان بود(غ۷۲۱) بطِ می همچو طاووس از نشاط امشب خرامان بود(غ ۷۲۱) ، عهد شباب رفت، میِ سال دیده کش..(غ ۸۵۶) به بحر این غزل انداختم سفینهٔ خویش(غ۸۹۶)، خط تو را به غلط مشک ناب میخوانم(غ۹۹۹) نگاه خشک خود را بو سهٔ تر میتوان کردن(غ۱۰۳۶) به دور لعل او تنها نه من سرگشتگی دارم(غ۱۰۴۲)

www.SID.ir

Archive of SID

ایهام در افعال دو معنایی و ترکیبهای فعلی: «در شعر سبک هندی ایهامها بیشتر بر اساس دو معنایی بودن فعلها و ترکیب فعلی است.» (شفیعی کدکنی،محمدرضا، شاعر آینه‌ها ۶۹): ترسم به یک تغافل بیجا خورد شکست / میخورد صد سرزنش تا جان گرفتار تن است(غ ۳۵۸) مانی چو نقش آن صنمِ مست میکشد/ چون میرسد به ساعد او دست میکشد(غ۶۴۱)

*استخدام: که ردیفش همه چون مدّ نگه، مژگان است(غ ۳۵۷)از ناتوانی چون مژه کوته‌قدم افتاده‌ام (غ۳۶۰) چون شمع در این بزم زبانی که تو داری (غ۴۱۱) رشتهٔ آه چو شد پاره، نفس میگردد(غ۴۸۹) عمر از برم گذشت چو معشوق بی‌وفا (غ۵۳۵) فغان که چرخ به بزمش چو شمع کشته مرا (غ ۹۹۶) یوسف ما چون صدا از چاه میآید برون(غ۱۰۸۵) و...

*تشخیص: خیال‌پردازی در نزد شاعران این دوره، رنگ‌آمیزی خاصی به شعر آنها میدهد و سبب میشود که در کلام آنها تقریباً تمام کائنات روح و حیات داشته باشند.(زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۲۰۷): زامد و رفت خویشتن، نیست خبر شکوفه را(غ۱۲۶)، دل دیوانهٔ ما از شهادت بر نمیگردد(غ۴۹۶)، آتش به رکاب نگهت شیشه دواند(غ ۶۷۰)، و... داغ بر سینه در آغوش نمکدان رفتم(قصیدهٔ ۸)و...

*خیال‌پردازی و کاربرد مضامین تازه: مهمترین ویژگی سبک وی نازک خیالی و خیال پردازی است. تذکره نویسان نیز به همین ویژگی اشاره کرده اند(نتایج الافکار، گوپاموی: ۳۷۶ ؛ منتخب اللطایف، رحم علیخان ایمان:۲۳۰) شاعر سبک هندی تمام نیروی ذهنی خود را صرف متعجب ساختن خواننده میکند و این همان چیزی است که آن را مضمون یا معنی تازه مینامند. «در سراسر دورهٔ صفویه، شاعران به تازه‌گویی و آوردن مضامین و الفاظ تازه توجه داشته‌اند و این تمایل در شعرشان دیده میشود.(سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامر ضایی: ۳۹۱) شوکت نیز در حقیقت «گوینده‌ای است که در عالم بی‌منتهای خیال سرگشته است... سخنهای او در بادی امر بی‌معنی به نظر میآید اما چنین نیست باید به نازک‌خیالی او بود تا به خیالهای نازکش رسید و به مقصودش پی برد و یا به همان عالم توهمهای او وارد گشت و مانند او شد تا سخن او را گاه به واقع و گاه به تقریب دریافت؛ و پیداست که این نوع شاعری نازلترین نوع آن است» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ۵ /۲ : ۱۳۳۵) در ذیر، چند نمونه از مضمون و معانی تازه در اشعار شوکت ذکر میشود:

شبنم: شبنم از واژه‌های متداول در سبک هندی است. موتیو شبنم در شعر شوکت بسامد بالایی دارد و در موراد زیر کاربرد دارد:

-در معنی خود شبنم: سراغ یار گرفتن ز من به آن ماند / که شبنمی خبر از آفتاب خود گیرد(غ۵۲۷)

www.SID.ir

Archive of SID

-روشـــنی و پاکی : نمی باشـــد بجز کویش ریاض خرّم دیگر / از این گلشـــن بود دلهای روشن شبنم دیگر(غ۵۵۰)

-لطافت: تازگی بخ شد به دل گر گفتگوی سخت او / سنگ قالی شبنم گلهای قالی میشود(۵۱۶)

-استعاره از اشک: این قدر نازک دلی شبنم نمیآید به کار / ناز آن خورشید عالمتاب می باید کشید(غ۵۰۶)

-استعاره از عشق: شبنم خود را گداز آتش دل دادهام / بوی گل دودی بود از شعلۀ بی رنگ من(غ۶۹۷)

-تشبیه به ا شک: به یادش دا شت امشب شبنم ا شکی بلبل آهنگی / به بزم لاله و گل بود بشکن بشکن رنگی(غ۷۵۰)

-تشبیه به نامه: آفتاب من به چرخ و جای من شوکت به خاک / میفرستم همچو شبنم نامۀ سر بستهای(غ۷۵۳)

جوهر آینه: منظور همان مادهای اســت که آینه را با آن جلا میداده و به آن خاصــیت آئینگی میبخ شیدهاند. در شعر سبک هندی آینه و لوازم آن، مرکز خیالات ب سیاری قرار گرفته ا ست. دیوان بیدل از این جهت شاخص ا ست و به همین دلیل ا ست که به او لقب شــاعر آینهها دادهاند. آینه در شــعر بیدل نماد حیرت اســت، به اعتبار اینکه مانند چشــمی اســت که همیشــه باز اســت و هرگز بســته نمیشــود؛ حیرت مقیم خانۀ آیینه اســت و بس (شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی کدکنی:۳۲۳).

شــوکت، موتیو جوهر آینه را با موتیو موج همراه ســاخته و حســرت موجود در نگاه عاشقانه را، به موج نگاه مانند ساخته است:

این چه حسن است که از حسرت نظّارۀ او / جوهر آینهها موج نگه میگردد(۲۲۶)

در بیت زیر نیز معنی را نسبتاً لطیف ادا کرده است:

زموج چشمۀ خورشید صافتر گردد / چه نقص آینۀ حسن را زجوهر خط(۳۷۸)

لاله: واژه لاله در شعر شوکت بسامد نسبتاً بالایی دارد و در مضامین مختلف بکار رفته است:

-شکل ظاهری: خاک این صحرا ز خون لاله و گل خورده آب / مینماید گردبادش در نظر گلدستهای(غ۷۵۲)

رنگ لاله: رندان که می خورند می لاله گون هم / هستند اسیر سلسله موج خون هم(۶۵۱)

نماد دوری و جدایی: ز گرم رفتن من لاله زار گشت بیابان / ز جوش آبله گل کرده نوبهار سراغم(غ۶۳۷)

www.SID.ir

Archive of SID

-بی‌ثباتی: ثباتی نیست عهدش را دوامی نیست دورش را / به گلشن لاله و گل محض رنگ و بوست پنداری(غ۷۴۳)

-داغدار بودن لاله: ز داغت لاله را دل در بیابان / سیه تر باشد از چشم غزالان(غ۶۸۰)

خواب مخمل: از موتیوهای پربسامد، ولی غامض سبک هندی است. برخی تفسیرهای عجیب و غریبی از آن ارائه کرداند، مثلاً آن را با علم تعبیر خواب مرتبط دانسته‌اند که به کل بی‌ربط است. شفیعی کدکنی در این‌باره می‌نویسد: جهتی که پرزها و نخهای پود در قالی و مخمل قرار دارد، اصطلاحاً خواب قالی و خواب مخمل خوانده می‌شود. قالی را در جهت خواب آن جارو می‌کنند. از این تعبیر، شاعران سبک هندی موتیو جدیدی را وارد شعر کرده‌اند که تصاویر و خیالهای بسیاری را به وجود آورده است.» (شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی‌کدکنی: ۳۲۷). شوکت، بین «لطافت خواب مخمل» و «آرامش کاذب اهل غفلت» ارتباط برقرار کرده‌است :

اهل غفلت را کجا پروای بیداری بود زیر سر دارند چون بالین مخمل خواب را(۵۹)

گل رعنا: منظور از گل رعنا در این دوره گلی است که از برون زرد و از درون سرخ است.

زردی و سرخی گل رعنا در ذهن شوکت تداعی بهار و خزان می‌کند:

چسبیده‌اند چون گل رعنا به یکدگر / از شهد خندهٔ تو خزان و بهار ما(۱۱۹)

بالد زبس که آن گل رعنا به خویشتن / پر می‌کند میان خزان و بهار را(۶۶)

شکست رنگ: منظور همان پریدن رنگ و تغییر حالت ظاهری است (شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی کدکنی:۳۳۱). این مفهوم در شعر سبک هندی، حلقهٔ نخستین، زنجیره های تداعی بسیاری قرار گرفته است. به عنوان مثال شوکت می‌گوید:

گل از شکسته رنگی ما غنچه میشود / رنگ بهار ریخته‌اند از خزان ما(۱۲۸)

گل کاغذ : « یکی از موتیوهای جدید سبک هندی که شاعران با آن مضامین بسیار زیبایی ساخته اند ، گلهای کاغذی است .» (شاعر آینه‌ها، شفیعی کدکنی:۳۳۳)

در شعر شوکت، تداعی کوتاهی عمر و فرصت کوتاه و ناپایداری میکند :

از باده رنگ کردم سیمای کاغذی را / از شعله آب دادم گلهای کاغذی را(غ۷۸)

بیا که بی لب لعلت ایاغ من خشک است / چو غنچه گل کاغذ دماغ من خشک است(تک بیت۱۳۹)

۲-۳-ویژگیهای زبانی

*موسیقی بیرونی: وزن: بحوری که شوکت در دیوان خویش مورد کاربرد قرار میدهد به ترتیب بسامد عبارتند از: رمل- هزج- مجتث – مضارع- خفیف- رجز- متقارب- منسرح- سریع. در دیوان شوکت، تعداد ۱۱۸۷ غزل وجود دارد و شوکت تنها از ۹ وزن در سرودن

www.SID.ir

Archive of SID

این غزلیات اســـتفاده کرده‌اســـت که بیش از ۸۰٪ غزلیاتش را در چهار بحر: رمل، هزج، مجتث و مضارع سروده‌است. نزدیک به ۷۰٪ غزلیات در دو بحر رمل و هزج سروده شده‌اند که این امر خود نشانگر علاقه و توجه ویژه شاعران به اوزان جویباری است.اوزانی که برای معنا و بار غمگین غزلیات وی مناسب هستند. شفیعی‌کدکنی در کتاب «موسیقی شعر» در مورد اوزان جویباری مینویسـد: : « اوزان جویباری، از ترکیب نظام ایقای خاصـی حاصـل می‌شود که با همه زلالی، زیبایی و مطبوع بودن، شوق به تکرار در ساختمان آنها احساس نمیشود».(موسیقی شعر،شفیعی کدکنی: ۳۹۳-۳۹۶)

بحر رمل پرکارترین و مأنوسـترین بحر در دیوان شـوکت میباشـد که بسـامد تکرار آن تقریباً نصـف غزلهای دیوان را در میگیرد و با تعداد ۴۷۱ غزل ۳۹/۶۹ در صـد اوزان دیوان شوکت به این بحر و متفرعّات آن تعلق دارد. از آن‌جا که رکن این بحر (فاعلاتن) دارای سه هجای کوتاه اسـت، دارای آهنگی ملایم و ریتمی آرام بخش میباشـد و با مضـامینی بلند، سنگین و موقر مناسبت دارد.

جدول اوزان مورد استفاده در اشعار شوکت بخارایی

نام بحر	رمل	هزج	مجتث	مضارع	خفیف	رجز	متقارب	منسرح	سریع
تعداد	۴۷۱	۳۶۵	۱۸۱	۱۴۰	۱۱	۶	۴	۶	۲
درصد	۳۹/۶۹ ٪	۳۰/۷۸ ٪	۱۵/۲۷ ٪	۱۱/۷۲ ٪	۸/۹۸ ٪	۵/۲۸ ٪	۳٪/۲۵	۴/۸۲ ٪	۱/۶۴ ٪

*موسیقی کناری: ردیف و قافیه : شوکت، شاعری مکلف به ردیف است. او به نیکی نقش ردیف در ایجاد موسیقی کناری را شناخته است. ردیفهای اسمی در غزلهای او کم نیستند، امّا تمایل او به استفاده از ردیفهای فعلی بیشتر از ردیفهای اسمی است. به همین خاطر ردیف، کمتر دست و پای خیال او را می‌بندد. او به موسیقی ردیف توجه خاصی دارد و حتی آنجا که غزلش فاقد ردیف است، با افزودن شناسه‌ها، ضمیرها و حروف اضافه، سعی در افزایش موسیقی قافیه دارد. بسیاری از غزلهای او در حرف الف قافیه به ردیفها (را، مرا، ترا) ختم شده است و این استفاده از حرف را غزلهای او را بسیار گوشنواز کرده است.

در دیوان شـوکت قافیه‌ها چهرهٔ زلالی از قوهٔ تخیل شـاعر به نمایش می‌گذارند. اگرچه شاعر در مواردی محکوم به قافیه‌اندیشی و اسیر واژه‌ها است امّا این جریان، کلیتی حاکم بر دیوان او ندارد و تنها عیب در اشعار او از منظر موسیقی، تکرار قافیه است:

*تکرار قافیه : در غزل سبک هندی، شاعر در کاربرد قافیه وسواس زیادی ندارد و تکرار قافیه« در شعر تمامی شاعران سبک هندی نمونه های فراوان دارد».(طرز تازه، حسین پور آلاشتی: ۲۳۵) زیرا توجه شاعر این عصر بیشتر به مضمون است نه ساختار ظاهری. از سوی دیگر، شاعر در این سبک تک‌بیت گوست و قالب حقیقی مفردات است که شاعر

www.SID.ir

Archive of SID

ابیات را به وسیلهٔ قافیه و ردیف به هم گره میزند و این قافیه اگر تکرار هم شود اشکالی ایجاد نمیکند؛ بنابراین تکرار قافیه در آن امری طبیعی ا ست. تکرار قافیه در دیوان شوکت نیز نمونه‌های فراوان دارد و شمیسا بزرگترین عیب شعر شوکت را همین موضوع تکرار قافیه میداند (مقدمهٔ دیوان شوکت بخاری:۲۳) و مینویسد: «مضحک این ا ست که شوکت در قصاید خود تجدید مطلع میکند، حال آن که تجدید مطلع در شعر کهن برای این ا ست که شاعر مجال استفادهٔ دوباره از قوافی به کار برده شده را بیابد. اما برای شوکت تکرار قافیه اصلاً مطرح نیست و اگر اراده می‌کرد می‌توانست قصاید دویست، سیصد بیتی هم بسراید (همان).

برای نمونه در اولین قصیده ، واژه "پا" ۱۸ بار تکرار شده است همچنین واژه‌های وفا، جدا، دعا، توتیا، نما، صفا، حنا، رضا، بوریا، کبریا نیز مکررا قافیه شده اند.

*وابسته‌های عددی (مقیاسهای شاعرانه): یکی از تصرفات زبانی – ادبی اغلب شاعران سبک هندی به ویژه بیدل ا ستفاده از واب سته های عددی تازه و بدیع ا ست. مقیا سهای شاعرانه، عنوانی نو و بلاغی، برای آن گروه از وابسته‌های عددی است که در علم بلاغت فارسی، تعریف و عنوان شناخته‌شده‌ای ندارند. « در زبان فارسی مثل هر زبان دیگری برای بیان معدودها غالباً صورتهای شناخته شده و کلیشه‌واری هست که کمتر مورد تغییر قرار می‌گیرد مثلا می‌گویند: یک باب منزل، یک فرسنگ راه یک طغرا سند و ... . اجزای آن علاوه بر عدد، آن دو بخش دیگر، یعنی وابستهٔ عددی و معدود همیشه امر مادی و ملموسند که قابل اندازه‌گیری و شمارش‌اند، اما در شعر این هنجار درهم شکسته می‌شود و از قدیم نمونه های آن را می‌توان دید چنان که در شعر حافظ یک شکر بخند را دیدیم.چیزی که در سبک هندی اساس و محور بیان قرار می‌گیرد، تنوع بیش از حد این نوع استعمال است، آن هم در مواردی که گاه یکی از دو عامل بعد از عدد امری انتزاعی است و گاه هر دو از اموری انتزاعی و غیر قا بل ا ندازه‌گیری‌ا ند.» (شاعر آینه ها، شفیعی‌کدکنی: ۴۷- ۴۶)

با پذیرش نظام نحوی:« عدد+ وابستهٔ عددی+ معدود» و براساس الگوهای زبانی که شفیعی کدکنی در کتاب شاعر آینه‌ها ارائه داده ا ست، ا شکال مقیا سهای عددی در ا شعار شوکت بررسی میشود:

۱-عدد+ مادی+ انتزاعی: صد رنگ فکر(غ۸۱)، صد داستان نیاز(غ۹۳)، صد کف عنان(غ۱۳۱)، صد برق تجلّی(غ۱۳۷)، صد کاروان وحشت(غ۲۲۶)، صد چشم انتظار(غ۳۱۳)، صد کاروان حسرت(غ۳۳۴)، صد چمن داغ(غ۴۶۴) صد میکده کیفیت(غ۶۵۸)،

www.SID.ir

Archive of SID

۲-عدد+ انتزاعی+ انتزاعی: صـــد پرده دل(غ۱۰۵)، دو عالم بال و پر(غ۳۹۱) چندین محمل تصویر(غ۳۸)

۳-عدد+ انتزاعی+ مادی: صد رشته نگاه(غ۸۹)، دو عالم آستین(قصیدۀ ۵)،

۴-عدد+مادی+ مادی : صد کاروان آتش(قصیدۀ ۵)، صد کاروان مشک(غ۵۳)، صد رنگ گفتگو(غ۳۳۰)، صد نیستان قلم(غ۲۳۷)، صد دسته سنبل(غ۴۱۱)، هزار قافله آئینه(قصیدۀ ۵) دو نقش قدم(غ۵۹۶) کوچه ده موج که ســـیلاب به دریا آمد(غ ۶۵۵)چون دو ناخن هر دو عالم را به هم واکرده‌اند(غ ۶۷۵)

وابستۀ خاص عددی در دستور زبان جدید، «ممیّز» نامیده می شود: یا انتزاعی است یا مادی. در حالت انتزاعی با پیچیدگی و غموض معنایی مواجه می‌شـــویم که این شـــیوه در سبک هندی بسیار متداول است و از ویژگیهای خاص این سبک محسوب می شود که در شعر شوکت نیز این شیوه بسامد بالایی دارد. از این چهار تقسیم‌بندی، در شعر شوکت، گروه اول و چهارم، بسامد بیشتری نسبت به گروههای دیگر مقیاسهای شاعرانه دارد. در بسیاری از این مثالها عدد و وابسته عددی به تنهایی نقش قیدی دارند، یعنی قیدِ نقشهای اصلی و فرعی و تبعی هستند.

*ترکیبات خاص و بدیع: شـــفیعی کدکنی، زبان فارســـی را به لحاظ امکان ســـاختن ترکیب، در ردیف نیرومندترین و با اســـتعدادترین زبانها و اوج ترکیب‌ســـازی را مربوط به دورۀ سبک هندی میداند و مینویسد: «در سبک هندی مسألۀ بالا بودن بسامد ترکیب خود یک عامل سبک شناسی است.» (شاعر آینه‌ها، شفیعی‌کدکنی: ۶۵-۶۴) میتوان گفت یکی از تفاوتهای بارز بین شاخه های ایرانی و هندو ستانی سبک هندی، همین میزان توجه به ترکیب سازی، بسامد ترکیبات و درجه ابهام آنهاست.

ترکیب سازی شوکت، از ساختار تازهای برخوردار نیست ولی دارای نوعی تازگی معنا و تصویرند و زمینه مناسب برای این گونه ابتکارها را در شعر سبک هندی فراهم کرده اند. شوکت از واژه‌های رگ، جنون، رنگ و حنا و سرمه و جواله و مینا بسیار استفاده کرده و از این واژه‌ها ترکیبات فراوانی به کار برده است: رگ شراب، رگ جاده، رگ ابر بهار، رگ برق، رگ طول امل، رگ سراب، رگ تاک، رگ خواب، رگ کوهسار، رگ جان، رگ سنگ مزار، رگ لعل، رگ زمین خرابات، رگ خیال، رگ اندیشـــه، رگ حنا، رگ شـــب، رگ کاه، رنگ خلوت، رنگ طمع، رنگ رخســـار، رنگ وطن، رنگ اقامت، رنگ جنون، داغ جنون، صـــهبای جنون، بزم جنون، دشـــت جنون، خون جنون، موج جنون، موج جلوه، دریای شـــرر، خون عنقا، خاکستر عنقا، فرنگی خانه تار جاده، تار نگاه، آواز پای اختر، شعله آواز چینی، گردن مینا. همچنین برخی ترکیبات کاربرد زیادی داشته‌است: شکست رنگ، میل سرمه، موج تبسم، موج لطافت، معنی رنگین و...

www.SID.ir

Archive of SID

*لغات و اصطلاحات عامیانه: استفاده از اصطلاحات عامیانه، نوعی ساده گویی است که وقتی با معنی نو و مضمون‌آفرینیهای نو همراه باشد، شاعر را به ساده گفتن وا می‌دارد. از ویژگیهای سبک هندی استفاده از اصطلاحات عامیانه توأم با معنی و مضمونهای نو است«بسیاری از تعبیرات و ضرب‌المثلها و زبانزدها در شعر دورهٔ صفویه هست که از زبان عوام اقتباس شده و به همان شکل عامیانه نه به صورتی پیراسته به کار رفته است.(سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ۳۹۷) در اشعار شوکت نیز، کاربرد لغات و اصطلاحات عامیانه فراوان است: زاهد صومعه را دختر رز گفت ابوی(غ۱۱۸۳)، به قدر فرصت یک شیر گرم کردن نیست(غ۴۲۹)، دلم پُر زود از خود رفت ترسم دیر برگردد(غ۴۷۷)، چنین گر دست و پای من به بزم یار گم گردد(غ۴۸۲)،به ناف لاله بریدند ناف داغ مرا(غ۱۸۳)، و...

۳-۳-ویژگیهای فکری

شعر هندی شعری معناگراست نه صورت گرا؛ و شاعران به معنا بیشتر توجه دارند تا به زبان. آنان به دنبال مضمون‌سازی از هر چیزی در عالم طبیعت یا ذهن استفاده میکنند. ادبیات سبک هندی ادبیاتی مینیاتوری است و طول و عرض معنا از یک بیت بیشتر نمیرود و فوقش تحسین و اعجابی را در حد یک بیت برمیانگیزد. کار شاعران سبک هندی ترجمهٔ مطالب فلسفی و عرفانی و غنایی گذشتگان به بیان سبک هندی است.(سبک‌شناسی شعر، شمیسا : ۲۹۰)

*وصف عشق : عشق در دیوان شوکت، عشق مجازی است که با خیال‌پردازیهای سبک هندی آمیخته شده‌است. از همین رو تعابیر زیادی از معشوق را میتوان در دیوان او مشاهده کرد:

به چشم آهوان اندیشه عالم را سیه دارد / که مژگان تو تیر روی ترکش از نگه دارد(غ۳۴۲)

گر نشانی از شکار آن ترک بدخو می برد / پر برای تیر از مژگان آهو می برد(غ۳۴۹)

ز شوخی های مژگان تو فیض خنده می بینم / نگاه تلخکامان از نی نرگس شکر گیرد(غ۳۶۱)

*غم‌گرایی: از نظر شمیسا، شوکت فردی گوشه‌گیر و منزوی است: « بسیار کم حرف و کم غذا و گوشه‌گیر بوده و نمد پاره‌ای بیش‌بر تن نداشته است. (مقدمهٔ دیوان شوکت: ۱۵) اما صفا ویرا فردی وارسته معرفی میکند: «[وی] مردی وارسته بود و این حالت وارستگی و رهایی از بستگیهای این جهانی را هر چه سالمندتر می‌شد ریشه‌دارتر و استوارتر می‌ساخت. شعر شوکت نیز تابع همین حالت وارستگی و شکستگی حال او بود، (تاریخ ادبیات در ایران، صفا: ۵ /۲ : ۱۳۳۵). به هر حال وجود این دو صفت گوشه‌گیری و وارستگی در شخصیت وی سبب شده که در اشعار او، کاربرد کلماتی که مفید معنای درد و غم و حسرت و اندوه

www.SID.ir

Archive of SID

هستند، فضای دیوانش را با غم و اندوهی سنگین مملو سازد: کی از محبت او رنجی رسید ما را(غ۵۲)، شوکت آن گلشن دردم که ندیده‌است به خواب(غ۱۶۳)، شوکت،نژاد دودهٔ اهل مصیبتم(غ۱۷۶)،تیره‌بختم بی‌وجودم سایهٔ بوی گلم(غ۴۱۷)، ز مفلسی نه به خود عیش را حرام کنم(غ۴۱۸)، یادگاری از تعلق نیست غیر از تن مرا(غ۴۲۸)، نیست امروزی لباس فقر من پیش از وجود(غ۴۳۶)، و...

شوکت از نظر شخصیتی یک انسان بسیار مایوس است و آن گونه که از اشعارش بر میآید آلودهٔ بنگ بوده و بسیاری از اشعارش را در حالت توهّم و نشاه سروده است، «او مردی منزوی و بسیار ناامید و سرگشته بود و از مستیها و نشأه‌ها سخن می‌گفت (مقدمهٔ دیوان شوکت: ۲۵-۲۶)

* طرح مسایل مذهبی: موضوعات مذهبی اعم از ستایش و راز و نیاز با خدا، و مدح امامان در اشعار شوکت دیده میشود. شوکت در ۹قصیدهٔ خویش، به مدح پرداخته است و در پنج قصیده، سعدالدین آصف ، در دو قصیده، امام رضا(ع) ، در یک قصیده، حضرت محمد(ص) و در قصیدهٔ دیگری به مدح امامان پرداخته است.

نتیجه‌گیری

شوکت بخارائی یکی از شاعران اواخر دوره صفوی و شاخه‌ی هندی سبک هندی به شمار میآید. مهمترین ویژگی شعر شوکت بخارائی نازک اندیشی و خیال پردازی است که به طرز آمیز مبالغه‌آمیز دیده می شود تا جائیکه گاهی این خیال‌پردازی و مضمون آفرینیهای او شعر او را از فهم دور ساخته است. تشبیه بلیغ و حسی بالاترین بسامد را در تشبیهات وی دارا هستند. مضامین بدیع، تمثیلها و تلمیحها از مشخصات بارز اشعار شوکت محسوب میشود. در سطح زبانی، تعداد ۹ وزن در اشعار شوکت استفاده شده که بیشتر آنها از اوزان متوسط ثقیل و خفیف(بحر رمل و هزج) و دارای آهنگی غمگین و سنگین هستند که با لحن دردمند شاعر تناسب کامل دارند. کاربرد مقایسهای شاعرانه و ترکیبات جدید دو ویژگی مهم سطح زبانی در اشعار وی هستند. در سطح فکری، اشعار شوکت در توصیف عشق و حالات و صفات معشوق است که در سبک هندی به پیچیده‌گویی متمایل شده‌است و سوز و آه و ناله و شکایت از فراق یار، سبک اشعارش را غم‌گرا نموده‌است.

منابع

-بررسی حس‌امیزی در غزلیات بیدل دهلوی(۱۳۸۷) الهامی، شراره، فصلنمهٔادبیات عرفانی و اسطوه شاسی، س۴، ش۱۲، صص۳۱-۴۸

-تاریخ ادبیات در ایران(۱۳۶۷) ذبیح الله صفا، تهران: فردوس.

www.SID.ir

Archive of SID

- تذکرهٔ المعاصـرین(۱۳۷۵) محمد علی بن ابی طالب حزین لاهیجی، به اهتمام معصـومه سالک، تهران: نشر سایه
-خزانه عامره،(۱۹۰۰ م)، آزاد بلگرامی، میرغلامعلی،بی نا،کانپور.
-دیوان شوکت بخاری(۱۳۸۲) شوکت بخاری، محمد اسحاق؛ به تصحیح سیروس شمیسا، تهران: فردوس
- دیوان شوکت بخاری: نسخه خطی، کتابخانه توپقاپی سرای، شماره ۹۶۲.
- سبک شناسی شعر (۱۳۸۳)، شمیسا، سیروس، چاپ نخست از ویرا ست دوم، تهران: نشر میترا،
- سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو،(۱۳۸۱) غلامرضایی، محمد؛تهران: جامی
-سیری در شعر فارسی(۱۳۷۰) زرین‌کوب، عبدالحسین، تهران: علمی
-شاعر آیینه‌ها(۱۳۸۷) شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران: آگاه،
-شاعری در هجوم منتقدان (۱۳۸۵)، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران: انتشارت آگاه،
-صور خیال در شعر فارسی(۱۳۶۶) شفیعی کدکنی،محمدرضا ،تهران،نشر آگاه.
-طرز تازه، سـبک شـناسـی غزل سـبک هندی(۱۳۸۴): حسـن پور آلاشـتی، حسـین؛ تهران:انتشارات سخن
-فرهنگ اصطلاحات ادبی(۱۳۵۷) داد، سیما، تهران، مروارید.
- منتخب اللطایف(۱۳۴۹) رحم علیخان ایمان، به اهتمام سید محمد ر ضا جلالی نائینی و سید امیر حسن عابدی،بی‌جا
-موسیقی شعر(۱۳۶۸) شفیعی کدکنی،محمدرضا،، ،تهران،نشر آگاه.
-نتایج الافکار (۱۳۳۶ ش)گوپاموی، محمد قدرت الله،، بی نا، بمبئی.
- نگاهی تازه به بدیع(۱۳۶۸)، شمیسا، سیروس، تهران، میترا.

www.SID.ir